

# [Afghanistan Digital Library](http://afghanistandl.nyu.edu/)

adl0079

<http://hdl.handle.net/2333.1/pg4f4qxd>

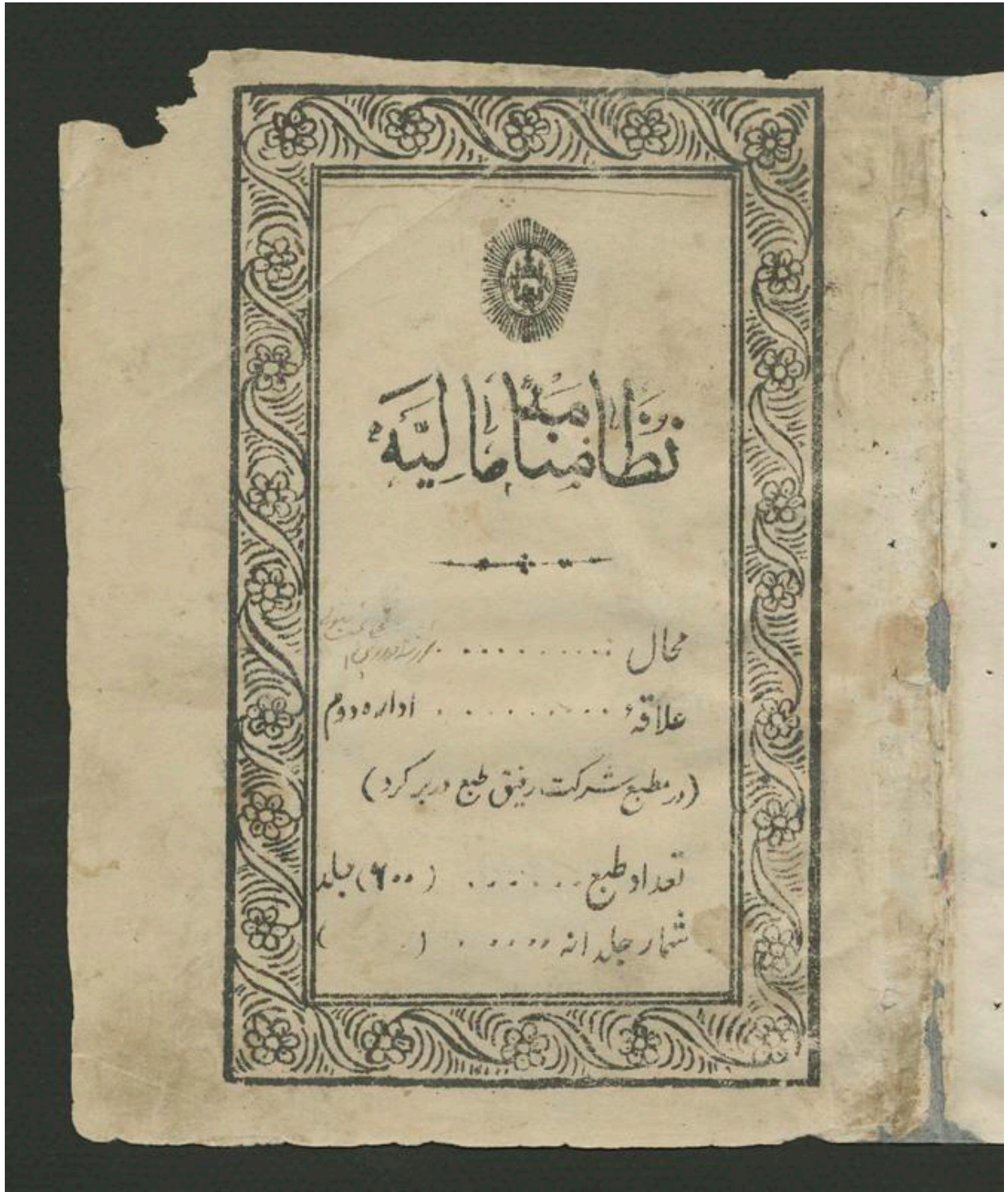


This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

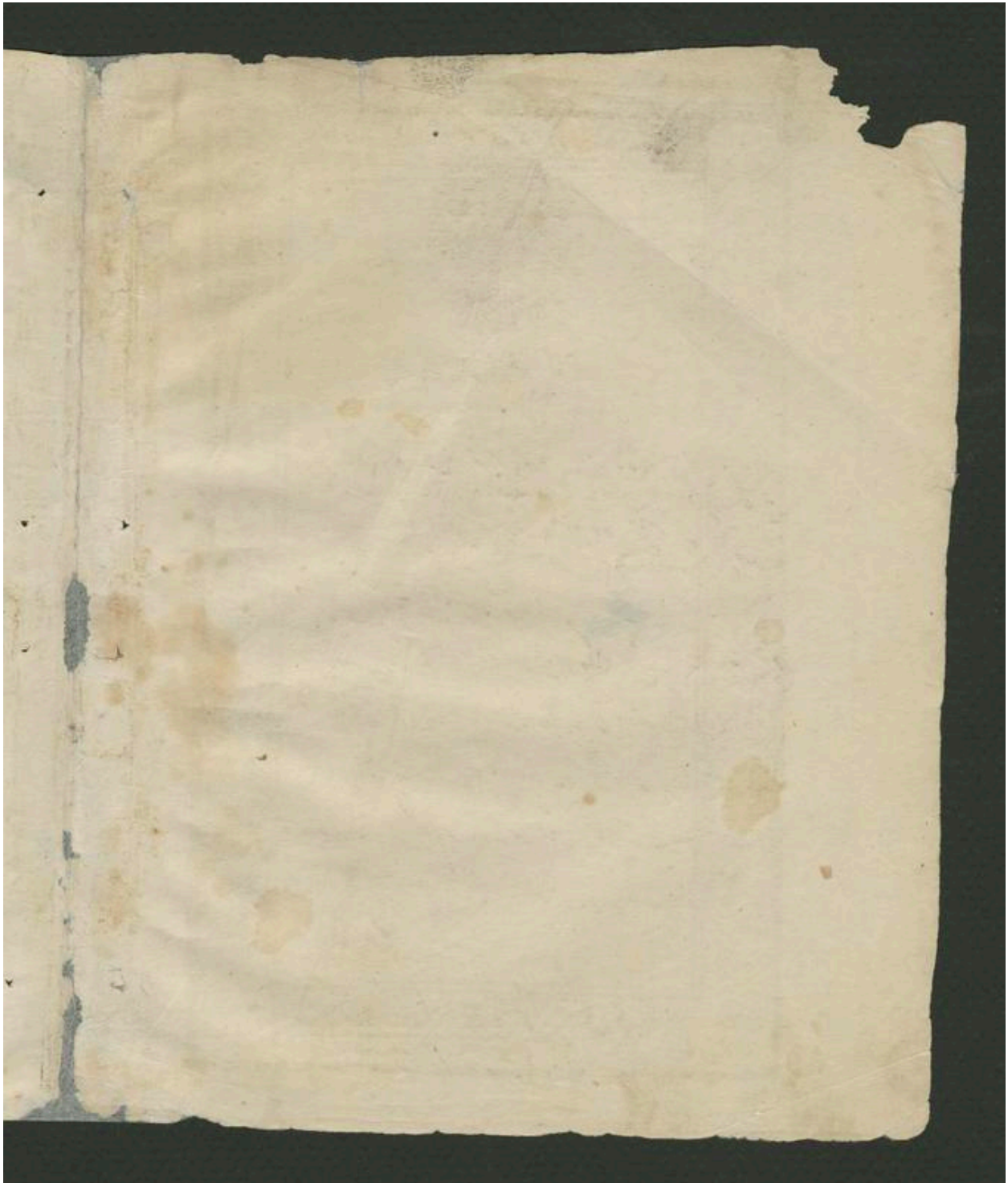
All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, [dlts@nyu.edu](mailto:dlts@nyu.edu)



نظام ممالیه

محل ..... از شهر .....  
علاقه ..... اداره دوم  
(در مطبع شرکت رفیق طبع و بر کرد)  
تعداد طبع ..... (۶۰۰) جلد  
شمار جلد آن ..... ( )





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَطِيعُوا اللَّهَ وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاُولِي الْأَمْرِ  
مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ  
إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ

پس از اظهار محامد خداوند یکتا جل علیه و درود و درود  
مطهر خاتم انبیا صلی الله علیه و آله اجمعین الی یوم الدین  
این نکته نهایت واضح است که مدار جریان معاملات  
و اساس ترقی هر دولت منحصر بر متانت و جامعیت  
اصول نظام نامه نامه آن در وقت حاضره بر سه  
طرفین که دولت و ملت باشد فایده عظیمه دارنده  
پادشاه دولت را بگفتش می فهماند و امور را  
میداناند که از چه مسؤل و بکه مسؤل است.

مستند به حدیث  
نظام نامه  
زاکری

بنابر ملاحظه این فواید براسه ترقیات وطن عزیزم  
 افغانستان و آسایش ملت آن از حضور شانام  
 نظامنامه‌ها برای اداره معاملات مالیه ترقیم و طرز  
 و قاتر آن باصول جدیده مقبوله عالم تنظیم و مقرر گردید.  
 براسه انضباط مالیه و کارهای متعلقه  
 نظام‌ها منظور حضور گردیده امضات که مأمورین  
 کار و تبعه مالیات و ظالیف مقدس خود را دانسته  
 تخلف نورزند.

مالیه چیز نیست که از محصول زمین و سرورختی و اموال  
 غیر منقوله گرفته میشود. اموال یا طبیعتاً و یا تخصیصاً  
 غیر منقوله شمرده میشود. آنچه محصولیکه از اموال غیر منقوله  
 گرفته شود مالیه است.

مالیه زکوٰه است که از عمر ترقی حضرت  
 سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و خلفای  
 راشدین رضی الله تعالی عنهم براسه مجاهدین و حریت  
 وطن از ملت گرفته اخذ و قبض میشود و متصرف آن  
 پادشاه است که بمصرف آن حفاظت ملت و وطن را می نماید.

نظامنامه‌ها  
 اصلاحیه  
 برای

مالیه جمعی بست تقریر است که تغییر و تبدیل ندارد  
 ریزش مالیه جمعی بجزیبی و تخم ریز و پاراب و قلبه بست  
 و اشجارے و بیگال و مرد کار و بست مشخص و  
 تعیین و تخصیص میشود.

بهر نوع محصولات زمین و غیره که مستراً تقریر  
 داشته فایده و نقصان آن عاید بملت باشد جمع بست  
 گفته میشود۔ جمع بست مقاوله دولت و ملت است  
 و شرط اعظم آن رضای جانبین است۔  
 لهذا صورت معاملات و اخذ مالیات آن  
 بقدر فقرات ذیل است۔

فقره اول۔ ملکان قریجات را لازم است  
 که جزو جریبی زمین مزروعی و قنوات و چشمه سار  
 و قلبه بست و آنچه ریزش مالیه اسامی مالیه تعلق  
 ملکی آن متعلق بآن باشد کاملاً تفصیل اسم و ولد  
 و ساکن با دارة مالیه قلمداد بدهند۔ و بعد از دادن  
 قلمدادشان خط از ایشان گرفته شود که اگر ثانی بقلم در  
 چیز تفاوت ظاهر شد از تاریخیکه با دارة مالیه قلم کرده

چشم پوشی نموده بودند از مزروعی و باغی فی جریب  
 بیست روپیه از ملک و چهل روپیه از صاحب ملک  
 و از قنواة و چشمه ساز و قلبه بست و غیره یکصد روپیه از ملک  
 و دو صد روپیه از صاحب ملک بطریق جریمه تحویل صد  
 و قحانه نموده رسید آن به ملک مالیه فرستاده شود  
 و از بولک مالیه عوض رسید برای سند اداره مالیه  
 فرستاده شود و در آخر سال بیست روپیه بولک مالیه خلص آن  
 از ملاحظه حضور گذرانیده شود.

فقرة دوم - مدیر مالیه جزو یک از مکان و صاحبان  
 جمع میگردد - جمع سابق قریه را استاد بگیرد - جزو یک مکان  
 میدهند اگر نسبت بگذشته زیاد شد بلحاظ قلم اندازی  
 بنده التماسه او را بسته با سامی تکت بدهد - زمین نوآباد  
 که ملک قلمداد نماید مالیه آن بطبق پلوان شریک سجیده  
 بر اصل مالیه قریه افزوده بسته شود - و ملک را بسبب  
 خدمت موخای الیه که بدولت مقدس خودینماید  
 یک امتیاز خصوصی داده میشود - از گذشته  
 اضافه جزو نوآباد حضور شاهانه صرف نظر کرده باز  
 است

نمیفرمایند - در صورتیکه ملک قلعه را دنگرد و بند را بیع دیگر بدارد  
مالیه رسید تحقیق و ثبوت شد بقرار مواد ذیل  
معمول دارد -

ماده (۱) اگر ملک و اسامی در بین خود سازش کرده  
قلعه را دنگرد کرده بودند جریمه ملک و اسامی بقرار  
حکم فقهیه اول است.

ماده (۲) اگر ملک از اسامی مالیه را گرفته بود و بدارد  
مالیه قلعه را دنگرد کرده بود جریمه اسامی نیز از ملک گرفته میشود.

ماده (۳) هرگاه اسامی سند ملک را نداشته باشد ملک  
قلعه را نداده چشم پوشی نموده بود جریمه ملک از اسامی  
گرفته شود - بعد از تحقیقات و گرفتن جریمه مالیه آن

از سال اول و تشریح نظامنامه گرفته میشود - وظیفه

ملکان است که در ابتداء که مدیر مالیه میرسد جزو اسامی  
تعلقه خود را الی موعده قسط اول که میزان است سپردار

مالیه نمایند و رسید قلعه را دنگرد را بگیرند هرگاه الی موعده

قسط جزو اسامی مالیه ده را بدارد مالیه ندانند - مدیر

سیا پنهان نویسنده مکانیکه جزو نداده اند بهو ملک مالیه



بفرستد که بحضور تقدیم شود.  
 فقره سوم - مالیه قریه استاد است که بست آن  
 از روی عمل اجاره چند ساله سنجیده و چند یک آن گرفته  
 و تقریر داده بستت مقرر گردیده - در این صورت اگر جزو داده  
 مکان جبع سابق قریه را پوره نکرده کسری کرد مدیر مالیه  
 کسر مالیه را بالای مالیه اسامی مالیه ده قریه عالی الشویه  
 تقسیم نماید.

فقره چهارم - مکان که جزو ملک داره  
 رعیتی تعلقه بنوده را با اداره مالیه سپردند مدیر مالیه بنباید  
 که جزو تعلقه مکان را بر رشته اصول دفتری داخل کتاب  
 جزو املاکات نماید و از روی کتاب مذکور بر اے بهر فرد  
 رعیت تکت مالیه دهبی آنرا بکاغذ چاپی بهر رسمی بدین چیز آنرا  
 بهر کلکی تحووم نماید که رعیتت بداد خود دانسته مکان  
 از اوشان اضافه ستانی نکنند - بدون مبلغ داخله  
 تکت ملک انوعیت دیگر چیزی حق ندارد که بگیرد - اگر ملک  
 تکت مالیه دهبی اسامی را از اداره مالیه گرفته و بر اے  
 اسامی مالیه ده نداده بود و ثبوت شد فی تکت

( ۲۵ ) روپہ جرمہ از ملک گرفته میشود.

فقرة پنجم - گرفتن مالیه بدو قسط مقرر گردید  
که قسط اول بمیزان که فصل ربیع کا ملاها تمام میرسد  
وقط دوم بدو که فصل خریف برداشته میشود هرگاه  
شخصی وجه مالیه سالیانه ذمه کی خود را به قسط اول ضاعت  
برساند و ازین بیت المال خود را فارغ البال بسازد  
منظور است بلکه اعتبار شخصی او تا یکدرجه تزد حکومت  
خواهد بود.

فقرة ششم - از اداره مالیه برای مکان  
کتاب رسید چنانی داده شده که مکان ذمه روز قبل  
از رسیدن قسط رعایای تعلقه خود را برای آماده کردن  
وجه قسط اطلاع بدینند بروز اول قسط شروع بوجه تحصیلی  
مالیه کرده الی روز اخیر قسط کا ملا وجه مالیه قسط مقرر را  
تحصیل نمایند - و از اداره مالیه برای مکان که کتابت  
رسید چنانی داده شده هر ورق آن سه پاچه میباشد  
که یک پاچه را به قسط اول و پاچه دیگر را به قسط دوم رسیدند  
و پاچه سوم که کتابت باقی میماند صورت گرفته وجه را نوشته

تاریخ ...  
صلاحتی ...  
رأیت

کند که در وقت ضرورت بمقام شاهد و دلیل بوده ثبت رسیده  
 اسامی باشد. اگر رجعت بکاغذ سفید رسیده گرفته بود و درین  
 ملک و رجعت گفتگوی واقع شد رسیده مذکور سند  
 شمرده نمیشود. بدون شاهد و اثبات در صورت ثبوت  
 بقدر داخل تکست جریمه از ملک گرفته میشود.  
 فقره هفتم - وقتیکه مکان وجه اقساط آنرا  
 بموعد آن تحصیل کردند کاملاً وجه تحصیلی خود را تحویل میدهند و قحانه  
 در موعد قسط نموده رسیده از درک ابواب کجی خود و اداره  
 مالیه بدون جزو حاصل دارند.  
 فقره هشتم - از اداره مالیه برای مکان طومار  
 جزو را اسامی جمعدهی شان همه ساله داده میشود.  
 تا استحضار و دانسته گی ملک حاصل باشد که فلان  
 اسامی در جمع من مالیه دهبی دارد و جمع ملک من اینقدر  
 وجه میشود و مناصف جمع مذکور که یک قسط است بلند قسط  
 ملک وجه تحصیلی خود را تحویل نموده و رسیده حاصل کرده  
 رسیده را با اداره مالیه آورد - مدیر مالیه وظیفه فرض  
 منصبی خود را بقرا ذیل معموله آورد.

مورد اول

مورد دوم

مورد سوم

اول - مدیر مالیة طومانایوا بجعی ملک را دیده مشخص کند  
 که قسط ملک چند میشود و رسید صد و قخانه را موافق  
 بقسط نماید - رسید صد و قخانه را ضبط کرده نقل رسید  
 آنرا بخرج طومانایوا نوشتہ رسید کند.

دوم - اگر ملک وجه قسط ابوا بجعی خود را بپوره تحویل  
 صد و قخانه نکرده بود و تمسک حسابی بموجب فقرات  
 نظامنامه نداشت در این صورت ضرور است که اسامی  
 که وجه قسط مالیه را نداده نشان بدهد و یا وجه دولت را  
 برساند.

سوم - وقتی که ملک قلداد کرد که فلانہ شخص وجه قسط  
 نرسانیده محض بگفته او اعتبار نمیشود کتاب رسید چپانی  
 که بمنبر بست است و برای ملک داده شده فوراً بمنبر  
 اسامی مقابله شود اگر هر دو پارچه رسید چپانی اسامی  
 مطابق نمبر موجود و سفید بود حرف ملک قابل اعتبار شمرده  
 پیراه مذکور ملازمان سرکای مقرر میشوند که اسامی را  
 حاضر کنند.

چهارم - در حالیکه اسامی مطلوب حاضر شد

۲۰۰  
 نامه اسامی  
 طومانایوا  
 در کار است

سبب نرسانیدن مالیه هواجه ملک پرسیده میشود اگر کسی  
بدون رسید ملک و یا تمسک حسابی بود و سند  
از اداره مالیه نداشت از قرار فی تومان پنجر و پیه جریمه  
میخیزد بذریعۀ ملازمان سرکار بعه مالیه قسط مذکور  
حصول و تحویل سند و قیانه شود از وجه مالیه که بذریعۀ ملازمان  
سرکاری تحصیل شود برای ملک مکانه و ادوه میشود برگ  
اسامی با اداره مالیه حاضر گردیده و بکاغذ سفید رسید  
ملک را حاضر گرد و در صورتیکه ملک قبولدار شود بدون اثبات  
که صحیح است فی تومان پنجر و پیه جریمه بعه اصل وجه از ملک  
و پنجر و پیه از اسامی گرفته تحویل سند و قیانه شود پس سببیکه  
خلاف نظامنامه رفتار نموده رسید بکاغذ سفید گرفته  
و یا ملک از گرفتن وجه انکار داشته باشد و رسید  
ساختگی بشهر رسید مذکور که بکاغذ سفید باشد بدو  
رسید چنانچه اعتبار ندارد باز هم علم می بود زیاد شود  
هرگاه ملک ملامت شود بقرار فقره ششم جریمه گرفته  
شود و از اسامی جریمه آن مطابق فوق است - ابتدا  
مراتبه تکرار از ملک که چنین فعل بظهور برسد از نظر

تکالیف

تکالیف

تکالیف

دولت معزول بشود.

پنجم - چهار ماده فقره هشتم که ذکر شده اگر مدیر مالیه  
از سرگذرانیده بازخواست نکرده و جهت احوال را جهت  
تحصیل تحویل حاکم نکرده معلوم و در غرض شخصی و مدعیان نظمی  
گفته میشود وجه باقی قسط مالیه بجهت جرمیه مقرر شده که از ملک  
و اسامی گرفته میشود از خود و لو گرفته تحویل صندوقخانه شود.  
و علاوه بر آن به سببیکه ایفای امور بیت خود را نکرده  
از طرف حکومت بایش سر داده میشود.

فقره نهم - اگر اسامی وجه قسط اول و جرمیه را  
با وجود محصلی حاکم نرسانید و قسط دوم رسیده و جهت  
و مالیه خود را ادا نکرده جرمیه نرسانید مالیه قسط دوم بخیزد  
بجمله داده میشود اتی موعده است اگر نرسانید دیگر مدارا  
در رعایت او نمیشود انیطورا اشخاص را دولت او باشد  
و بدیده دانسته مدیر مالیه حکمی بدریع ملک و خود مذکور یا از  
مذکور را بدگیری کرده داده و با بالای خود او بفرستند  
وجه سرکار را تحویل نماید که بدیگر سال باقی نماند اگر شخصی  
که زمینگرفت و یا قطعی نمی خرید بولک مالیه خبر بدید.

فقرة دهم - اگر شخصی مالیه ده قبل از برداشتن  
 حاصل مفرورو یا بجنایت گرفتار گردیده جس شد ملک قریه  
 میباشد که زمین مذکور را با قریبای او بسپارد و بروز رفع  
 حاصل ملک حاضر بوده مال او را سپاه کرده تحویل  
 اقربای او نماید - مالیه سر کار را از شخصیکه حاصل  
 تحویل او شد بگیرد - هرگاه شخص مالیه ده بعد از برداشتن  
 حاصل مفرورو یا گرفتار جس و جنایت گردید چون وجه  
 اقساط بعد جرمه گرفته میشود اگر حصول نشد مطابق حکم فقرة  
 ( ۹ ) معمول داشته شود در حالیکه ملک او را کار داران  
 دولت متصرف نشده باشند.

فقرة یازدهم - شخص زمین دار یا فراریا جس گردد  
 قوم قریب نداشت که زمین مذکور با او سپرده شود هرگاه  
 زمین مذکور زرعیت شده باشد و در بقان نداشت باشد  
 ملک سپرد و بقان نموده با خبری و بهوشداری حاصلات  
 آنرا نماید و با دارة مالیه کیفیت آنرا تحریر دارد که در وقت  
 فصل شخصی از دارة مالیه مقرر شود که با اتفاق ملک رفع  
 حاصلات آنرا نموده جس آنرا بفروشد و سپس رسانیده با دارة

مالیه سیاهه آنرا حاضر دارند. هر قدر وجه فروش حاصل  
 که از مجرای آن مالیه زمین مذکور بذریعه ملک تحویل خزانه شود  
 باقیانده وجه آنرا ملک بخزانه تحویل کرده رسیدامانت  
 گرفته باواریه حاضر وارد که ثبت شود. و از ادایه مالیه کیفیت  
 آن بیولک مالیه خبر داده شود چنانکه اسامی حبش پیدا  
 باداره مالیه آمده در خواست نماید. مدیر مالیه تصدیق آنرا  
 نموده حواله بیولک مالیه نماید از بیولک مالیه اگر خیانتی  
 نداشت بموجب رسیدامانت وجه آن بخزانه حواله  
 داده میشود. بسال دیگر زمین مذکور را اجاره بدی تا مالک  
 زمین بیاید همه ساله وجه مالیه تحویل خزانه باقی آن امانت  
 بخزانه تحویل شود.

فقرة دو از دهم - براسه مزرعه عانت باغاتیکه  
 سماوی برسد و یا از بی آبی سوخت برسد. فوراً نمایا و ملک  
 باداره مالیه آمده بکافدر سعی در خواست نمایند. مدیر مالیه  
 بموجب درخواست شان از اداره مالیه میز مقرر کند که بالا  
 زمین های آفت رسیده و سوخته رفته علم آوری نمایند  
 و علم آورے مذکور بسه تفریق باشد. اول زمین ها و باغاتیکه



ضرر رسیده باشد - دوم آنکه مناصف را ضرر و باقی آن  
 سالم باشد - سوم که قدری ضرر رسیده باشد - ملک  
 و میتز تعیین و تفریق نموده طومار میتری خود را مهر کرده با دانه  
 مالیه بسپارند مدیر مالیه بعد از تحقیقات لازمه وظیفه فرض  
 منصبی خود تصدیق خود و حاکم انوالا کرده حواله بولک مالیه نماید  
 بولک مالیه زمین مزروعی و باغی و قنوات و چشمه سار را  
 بموجب مواد معموله دارد -

(ماده اول) در باب زمین مزروعی و غیره که ضرر رسیده  
 باشد در صورت دارد - (یا در فصل بیع است) (یا در خرید و  
 صورت اول - فصل بیع سه قسم خواهد بود -  
 قسم اول اگر کاملاً ضرر رسیده بود وجه مالیه آن بقسط دوم سال  
 آینده گرفته شود -

قسم دوم که مناصف رسیده باشد بقسط اول  
 سال آینده گرفته شود -

قسم سوم که قدری ضرر رسیده باشد بقسط  
 دوم سال مذکور گرفته شود

صورت دوم در آیام و بیگام فصل خرید اگر ضرر

رسید و دو قسم خواهد بود -

قسم اول اگر ضرر کامل رسیده باشد مالیه بقسط اول  
سال آینده گرفته شود.

قسم دوم اگر مناصف و یا قدری ضرر رسیده بود  
بقسط اول سال آینده گرفته شود.

(زاده دوم) - در باب باغی و سردرختی اگر کامل ضرر رسیده  
باشد بقسط اول سال آینده بر گاه مناصف ضرر رسیده  
بود بقسط دوم سال مذکور گرفته شود - در باب این فقره  
میریر مالیه بقرار امر به ملک مالیه معمول دارد -

چون سرکار ملک را جمع بست نموده و در سایر ایسکه  
زمین دار کما فی میکنند و حاصل زیاد می بردارند دولت  
اضافه از مالیه نمیرسانند دولت حقدار که مالیه خود را بگیرد  
مگر چون دولت و رعیت یک وجود هستند با قسط  
رعایت آن کرده شده که در فوق ذکر است.

فقره سیزدهم - زمین های مزروعی و یا باغی را  
اگر آب برود و یا قنوات مسدود و خشک و خراب شد  
از دو حال خالی نخواهد بود - اگر بعد از فصل باشد مالیه آن

۱۰۰۰

طرح مسالیه

را رعایت

گرفته میشود - اگر قبیل از فصل باشد بعد از اخبار صاحبش با دانه  
 مالیه و تحقیق سبب خرابی کیفیت میتری آن بهو لک مالیه  
 فرستاده شود که پذیرد بولک مالیه بحضور ناظر مالیه تقدیم شود  
 هر قراریکه از حضور ناظر مالیه حکم شد از بولک مالیه بگذرد مالیه  
 خبر داده میشود بقرار حکم مجری داده شود - مگر ملک قریه  
 لازم است که اسامی را با دانه مالیه حاضر نماید که موعدا آباد  
 آنرا مشخص کند - هرگاه اسامی مذکور صاحب استعد  
 بنود میتر مقرر شود که پیمایش خارج آنرا نماید و طور آنرا بولک  
 مالیه بفرستد بولک مالیه بقرار اجازه ناظر مالیه چهارم  
 پیمایش را سنجیده بعد از منظور سے حضور بقرار حجت  
 شرعی وضمانت خط بصیغه تقاوی از طرف سرکار و چه  
 بدید که آباد نماید چینی که آباد شد بقرار موعدا مقرر ملک  
 با دانه مالیه اطلاع بدید که مالیه آن بسته شود - و چه  
 تقاوی به پنج سال یا قساط اخیر سال گرفته شود اگر اسامی  
 زمین خود را آباد نیکر و خط داده و گذار شود که بدیگر  
 داده شود - هرگاه ممکن آبادی نداشت بعد از تحقیق خبر  
 فقره چهاردهم - اگر صاحب زمین ا ملک

۲۰۰  
 مالیه  
 قریه  
 قریه

مزروعی خود را نهال غرس نموده باغ ساخت بسال اول  
 ملک با داره مالیه خبر بدید که میز مقرر شده علم آوری  
 نماید تا مدت پنجسال که اشجار آن مثمره نشده مالیه مزرود  
 گرفته شود۔ بسال ششم مالیه باغی بسته و گرفته شود مگر بدیر  
 مالیه بهمان تاریخ صورت امیزت آنرا بدریجه واک  
 محصولی بهولک مالیه ارسال دارد که ملاحظه مامور لک  
 مالیه بطریق نشانی شود.

فقره پانزدهم۔ شخصیکه زمین باغی داشته باشد  
 و اشجار آنرا بکشد ملک قریه را لازم است که بدیر مالیه  
 خبر بدید که مالیه مزروعی بسته و گرفته شود و از اداره تحریک  
 بهولک مالیه نیز خبر داده شود.

فقره شانزدهم۔ قیمت زمین های مخروب  
 از قرار فی جریب سه روپیه و چمنها فی جریب ده روپیه  
 مقرر شده۔ هرگاه شخصی زمین مخروب و چمن را باکند  
 میباشد با داره مالیه آمده است تا نماید بدیر مالیه شخصه  
 زمین های مخروب و چمن پر سیده هرگاه آنها گرفته  
 خط و اگذاری دادند۔ بقرار جریب بقیمت معین

مالیه مزرود  
 مقرر شده  
 تحریک

که ذکر شده قیمت کرده وجه آنرا بخرانه تحویل نموده اند  
 اداره مالیه سند حاصل داد و مدیر مالیه را لازم است  
 که بقرار وجه تحویل کرده گی اسامی برپیش سند چربی  
 بحدود معین بدهد و از اسامی خریدار قرار داد مواعدا باری  
 آنرا بگیرد و ببولک مالیه خبر بدهد بسا لیکه بذر افشان نمود  
 ملک قریه را لازم است که با اداره مالیه اخبار کند و مدیر  
 مالیه جریب کشش مقرر نماید هر قدر زمین را که بذر نموده  
 بود بقرار مالیه پلوان شریک قریه مذکور بخیند بسا  
 اقل چهار یک بسال دوم مناصف بسال سوم سه حصه  
 بسال چهارم کامل مالیه پلوان شریک گرفته شود و ببولک  
 مالیه نیز اطلاعا داده شود.

فقره پنجم - اسامی که سابق بلجا تکالیفات  
 خود را قطع برات کرده بودند حال تکالیف بمرام ملوکانه  
 موقوف شده قطع برات بدون موقوف است  
 اشخاصیکه قطع برات بودند کمالا بجمع مکان قریب بسته شود  
 هرگاه شخصی بقطع برات بدون راضی باشد چون  
 معاملات دولت طوالت و تنخواه ماموزین تنخواه خور

کتابخانه  
 مجلس شورای  
 اسلامی  
 تهران

صایح میشود - باینکه سابقه خود فی روپیه ده پیشه قبولاً  
شود و بدولت برساند و قطع برات باشد منظور است.

فقیره مجدد هم - قریه استاد است و براس  
هر قریه یک ملک لازم است مدیر مالیه سعی و وقت کند  
که در یک قریه یک شخص ملک مقرر باشد - اگر نماند  
بود در ملک بیک قریه منظور است - هرگاه شخصی ملک  
سه قریه باشد جمع قریجات هر کدام علاوه علیحده بسته  
میشود مگر بشرطیکه کامل ملک قریه باشد.

فقیره نوزدهم - مقرر ملک با انتخاب  
رعیت است که در سه سال مقرر میشود - لیکن  
رعیت باید ملک شخصی را انتخاب کند که صاحب  
هستی و جایداد و ظاهرش بصلاح دینی و دنیوی  
آراسته باشد - در موعد انتخاب که طومار سعی  
گرفت تاجنایت و قباحات و خیانت از نامبرده بظهور  
نرسد مغزول میشود - هرگاه این افعال از نامبرده <sup>بظهور</sup>  
رسید موقوف و طرد گردیده دیگر ملازمت او بدولت  
و ملکی آن بر رعیت مقبول و منظور نمیشود.

فقرة بیستم - انتخاب ملک بر طرف خاصه  
 رعیت است در صورتیکه ملک فرار و یا مال دولت را  
 از دست مالیه تلف نماید چون رعیت کفیل است  
 دولت بجای داد ملک تعسق نداشته و جنود را بقرار  
 ریزش مالیه از اسامی مالیه ده آن میگیرد اختیار جای داد  
 ملک بر رعیت است .

فقرة بیست و یکم - شخصی که بعد از گرفتن ملک رسمی  
 مالیه اگر زمین خود را ببیع قطعی و یا جائز بفرش  
 برساند ضمانت وجه از اسامی فروشنده گرفته و باید  
 بقرار مواد ذیل معمولد آند -

ماده اول - انانی حکم که قباله را نوشته میکنند  
 ضرورست زمین هاییکه متعلق بخریب است اعلی اوسط را در  
 هرگاه متعلق بخریب نباشد معدوم و مروج آنرا قید نماید  
 و تصدیق ملک قریه در ذوالبندی آن و ملکیت فروشنده  
 شرط است .

ماده دوم - اسامی فروشنده که قباله را با دارة مالیه  
 جهت تصدیق جهر ملک حاضر میکنند مدیر مالیه را نباید

که تکلیف اسامی فروشنده را دیده هر ملک قریه را بنام  
 ملکیش و معدود و فروش داخل قباله را معدود و تکلیف  
 تطبیق نماید. اگر زمین مندرجه تکلیف را کاملاً بفروش  
 رسانیده بود و یا چیز را بفروش رسانیده و باقی آن  
 مانده باشد خیر و الا اضافه از معدود داخل تکلیف بود  
 زیاده را بکتاب جزو بسته نموده مطابق فقره ۲ <sup>سست</sup> <sup>باز</sup>  
 نماید زیرا که قلم اندازی ثابت میشود.

ماده سوم - در صورت فروش قطعی و یا جائزے  
 قباله بکتاب جزو املاکات بخانه کیفیت خلص معدود  
 و اسم خریدار محاذی سطر فروشنده درج شود.  
 ماده چهارم - قباله بیع جائزے که بسال اول بخانه  
 کیفیت کتاب جزو املاکات داخل شد بسال دیگر  
 بکتاب جزو املاکات بخانه ملاحظات نوشته میشود  
 تا بسالی که گروست بهیچان حسینیکه با بیع زمین خود را  
 خلاص کرد و لازم است که قباله را نزد مدیر مالییه حاضر دارد  
 که فسخ آنرا بخانه کیفیت نوشته هر خود را باطل نماید  
 و مشتری نیز بکتاب جزو املاکات نماید - در بیع



جایزے تک صاحب زمین اگر کالما گرو کرده باشد  
 ضبط ہر گاہ چیز پر اگر و داده باشد کم نیشود۔ نوشتہ  
 کتاب جزو کا فہستہ گروی دار ہمد سالہ مالیدہ بنام  
 صاحب زمین بملک بمعرفت خود برساند۔  
 مادہ پنجم۔ مباب فروشش قطعاً اولاً اگر شخصی زمین  
 خود را کالما بفروش رسانید داخل کتاب جزو املاکا  
 تاریخ فروشش واسم خریدار قید و تکت فروشنده  
 ضبط شود و اسمی خریدار اگر بقرئہ مذکور زمین ہستہ  
 باشد تاریخ و اسم فروشنده نوشتہ بہ تکت  
 سابق آن مالیدہ افزود شود۔ ہر گاہ سابق بقرئہ مذکورہ  
 زمین دارے نہ داشت در سال اول کیفیت  
 خرید آنرا مدیر مالیدہ بعد از ثبت کتاب جزو در عقب  
 تکت نوشتہ بخریدار تسلیم نماید و بسال آئندہ  
 تکت مذکور را ضبط نمودہ باسم خود خریدار تکت بہ  
 ثانیاً در صورتیکہ شخص فروشنده از منجملہ زمین خود  
 چیز را بفروش برساند و چیزے برائے خودش باقی بماند  
 بعد از مندرجہ کتاب جزو مالیدہ زمین معدود کہ بفروش

رسانیده از تکت فروشنده وضع شود۔ در حالیکه  
 خریدار تکت و زمین بقریه مذکور مشته باشد تکت  
 مذکور معدوم مالیه افروخته شود۔ اگر زمین و مالیه و بی بقیره  
 مذکور بجمع ملک فروشنده نداشت بسال آسینده  
 بتعداد اخیر آخر ابواب بجمی ملک تکت جدید برایش داده  
 شود۔ مگر بهمانروز زمین از تکت فروشنده وضع شود  
 مالیه بهمانسال اینام با بیع برسانند۔ بسال دیگر که تکت  
 مالیه و بی خود را گرفت با اسم خود برسانند۔

ماده ششم۔ مالیه و بیسته تصری فی فصل است  
 اگر با بیع زمین خود را بعد از فصول بفروش رسانید  
 مالیه دولت از خود او هرگاه قبل از فصول بفروش رسانید  
 از مشتری گرفته میشود۔ مدیر مالیه را لازم است که در وقت  
 فروش بین الفصلین خط مقاوله رسانیدن مالیه را  
 بقرار قبولی از نزد با بیع و مشتری گرفته قبالت را هر کند  
 که جای گفتگو پرورد گیر باقی نماند۔

فقره بیست و دوم۔ مدیر مالیه از روی  
 کتاب جزو املاکات جمع ملک را خالص داخل حساب

در کتاب  
 فقهیه  
 در بیان  
 در بیان

خصوصی نماید و سندات مکان هر روز یک برایش میرسد  
 بروز ناچ و تحصیلات مجری نموده سند را ضبط کرده  
 بطور اخرج ملکی ملک مذکور رسانده چهر نماید و در اخیر  
 هر قسط یک حساب عمومی بسازد و نقل آنرا ببولک  
 مالیه بفرستد که بذریعہ بولک مالیه بحضور ناظر مالیه تقدیر  
 میشود و در حینیکه مقتضی مقرر میشود اساس  
 علم آورے آن باشد.

فقرة بیست و سوم - مکانه مکان بقرار مقرر  
 سابق از وجه حصولی بقسط دوم بحساب شان  
 مجری داده شود از وجهی که داخل جریمه آمده باشد  
 با وجود حصولی مکانه داد میشود.

فقرة بیست و چهارم - تنخواه مقررے مدیر  
 مالیه و مأمورین اداره مالیه بموجب برات نظارت مالیه  
 بدو قسط از صندوقانہ داده میشود - بلحاظیکه در ملک  
 بلفظ تنخواه برداشت نکرده بر گاه کرده بودند نظر بر رسید  
 یک برکنیم گرفته میشود.

فقرة بیست و پنجم - در سنوات سابق

نظارت مالیه

مقررے

مقررے

که مایه جنسی گرفته میشد حواله آن بجای داد گدام داده میشد  
 از رسانیدن گدام و انواع حواله و خریدارے متعدد  
 کارداران ملت بعد از اب و بدولت فائده هم نمی رسید  
 و باقی مانده حواله گدا هم باقیمت گران تسعیر و از ملت  
 بشدت گرفته میشد - ذات شاهانه از روی رعیتت  
 پروری و عدالت گسترے دفع این صعوبت را  
 به نقد دیده چته آسایش ملت صورت اخذ مایه را  
 نقد و رسانیدن آنرا اقساط مقرر فرمودند و از روی  
 منصفی تسعیر اجناس محال (هموگرواداره دوم )  
 بقسار جدول ذیل منظور فرمودند که ملت  
 بداد خود دستة با قساط مقررہ بدون صعوبت  
 مایه خود را بدولت برسانند - و رعیتت  
 از رسانیدن گدام و حواله داران فارغ البال باشند .

\*

\*

\*

۲۰۰  
 نقد مایه  
 و  
 تسعیر اجناس

### تسعیر نامه مستقل سیاله

جدول ندرت و ارزش اجناس

اسم جنس	فیه	مقدار	از مقدار	تقدیر

نظرات و توضیحات  
در این خصوص  
در این خصوص

فقرة بیست و ششم - تسعیر مند درجه نظامی از ابتدا  
 ۱۲۹۹ هـ شمسی که سال این شروع منظور است بعد از انقضاء  
 سه سال تجویز مانده میشود انشاء الله تعالی بسببیکه نقصان در دولت  
 و دولت نشود در آن وقت نظام نامه مالیة عند الضرورة

ترمیم خواهد شد.

فقرة بیست و هفتم - از طرف دولت، ملاحظه  
 خیر ملت بایله جنسی نقد مقرر گردید در صورت مجاریه  
 اجنبی اگر جنس بکار دولت شود بوقت فصل بقرار بایله  
 دبی اسامی جنس مطلوب خود را جنس گرفته میتواند  
 و قیمت جنسی مذکور بقرار یک تسعیر شده بجزئی میدهد  
 معاملات دفاتر و محاسبات رعیت به نقد است  
 بدون ضرورت مجاریه دولت بموعده سه سال جنس  
 نمیکرد - و کار آمد خود را به نرخ روز و خوش رضای  
 رعیت بدون اجبار خریداری میکند.

فقرة بیست و هشتم - رباطها نیکو در ارض  
 راه ساخته شده بلحاظ آسوده حالی باشندگان  
 قریجات و عابریین ملت است در باب مرمت کار  
 کار رباطهای متعلق بحالات بقسرا روند و تقسیم  
 بدون مصالح و بنا خاص مرد کار آن بعمده رعیت است  
 و در فپاکی رباطهای مذکور را بقرار سابق رعیت  
 نمایند که خراب و برهم نشود.

فقرة بیست و نهم - تقسیم آب بخشی رعیتی  
 تعلق مدیر مالیه دارد که بقرار قاعده حسابی گذشته  
 تقسیم آب بخشی را نماید مصارف و هزینه های آنجوره  
 و کندن بجوی و آنجوره و ساختن پلها بآنجوره بعد  
 رعیت است مدیر مالیه را لازم است که بقرار حقایق برای  
 رعیت آب بدهد - هرگاه بدون حقایق برای شخصی مدیر  
 آب داده بود و یا دیگر کسی رقعده داده بود و بطور رسید  
 بازخواست شد یاد کرده میشود

فقرة سی ام - اشخاصیکه گفتگوی مالیه دهی  
 و یا دعوی آب بخشی داشته باشند و نزاع شان  
 بخصوص آب و مالیه ضرر پلوان شریکی باشد عرض  
 و دادشان متعلق با اداره مالیه است که مدیر مالیه تحقیق  
 فقرة منازعه شانرا نموده بقرار حسابی فیصله نماید  
 هرگاه بحال تصفیه نشد صورت تحقیق خود را ببولک  
 مالیه روانه دارد که ببولک مالیه علم آورده حقداری شود  
 اگر ببولک و نظارت مالیه فیصله آن بحساب  
 نشد و ممکن نبود از نظارت مالیه تحقیقات مدعی

و مدعی علیه بنظر است عدلیه فرستاده شود بعد از فصل  
بیولک مالیه و از بیولک مالیه با داره مالیه

خبر داده شود

فقره سی و یکم - براس گفتگو - حسابی  
و حق داری مالیه و آب بخشی و ضرر پلوان شریکی شخصیکه اداره  
مالیه نوشته میشود اولاً مدعی کوایف خود را بذریعه  
عریضه رسمی از مدیر مالیه درخواست نماید - تا نیامد مالیه  
اگر مدعی علیه را لازم خواستن میدانست بدست  
مدعی جلب نامه بدهد - مدعی جلب نامه را برده بملک  
قریه مدعی علیه نشان داده ملک قریه اسامی را وقف نمود  
ملک قریه بجلب نامه از وقفیت آن تصدیق نماید -  
اگر مدعی علیه حاضر نشد و مدعی بمدیر مالیه عارض گردید  
مدیر بعد از ملاحظه جلب نامه بذریعه احضار نامه مدعی  
علیه را بواسطه محصل بخواند - در اینصورت که مدعی علیه  
بامر احضار نامه و محصل حاضر گردیده روپیه جریمه  
از نامبرده گرفته تحویل خزانه شود و ریوت آن بیولک  
مالیه فرستاده شود. لیکن جریمه تحویل خزانه



بواسطہ مجرم میشود.

فقرة سی و دوم - مدیر مالیه کہ جلب نامہ و حصار  
نامہ رسمی اسمی مدعی علیہ کہ مید بد ثبت آن بکتاب  
سرکار سے باشد اگر بدون ثبت کتاب ظاہر شد  
بہر قطعہ آن دہ روپیہ جریمہ از مدیر مالیه گرفته میشود.

فقرة سی و سوم - اسمی مدعی و مدعی علیہ  
کہ با دارہ مالیه گفتگو بینمائید اگر منازعہ شان پہل بود  
حاجت بصورت حال ندارد، ہر گاہ منازعہ شان  
صعب و تحقیق زیاد بعل آورده می شد و بیضہ مدعی را  
استاد گرفته سوال و جواب مدعی مدعی علیہ را بکاخذ  
نوشته کند. حاضرین اداریہ کہ عبارت از نفر سے  
غیر اداریہ باشد از اقرار شان تصدیق نمایند. مدیر مالیه  
بعد از سوال و جواب مدعی مدعی علیہ بقرارد حسابے  
فیصلہ نمایند. ہر گاہ فیصلہ با دارہ مالیه نشد بقرارد حکم فقرة  
(س) معمول دارد.

فقرة سی و چہارم - جمع انواع تکالیف انحصور  
کاملاً موقوف گردید احدی را اجازہ نیست کہ بالای

دو صورتیکہ مدعی علیہ بر زمیندار باشد یا کشند

رعیت چیزی حواله کند - هرگاه کارداران و یا مالکان  
 چیزی تکالیف بالا سے رعیت حواله کرد رعیت او را بدین  
 تائید بجای کم تا آنجا کم بالادست آن خبر بدید حاکم بالادست منع نماید  
 هرگاه منع نشد بازخواست کنند - و علاوه بر آن هرگاه بحضور رسید  
 بازخواست او نشده بود از شخصیکه بازخواست است نکرده  
 بازخواست میشود

فقرة - سے و پنجم - شفعدارے زمین خواہ  
 بلحاظ باقی دولت و یاداد و طلب رعیت باشد موقوف  
 است گرد جایکہ ذات شائسته لازم بدینند بموجب فرمان  
 رسمی اداره مالیه و یا حاکم امر نمایند بدون فرمان دیگر  
 اجازه نیست کہ حکم شفعداری نماید

فقرة سی و هشتم - مدیر مالیه با داره مالیه  
 کہ حساب مکان و صاحبان حساب را بقرار قواعد  
 و فتری میسازد در آخر سال حسابات اداره مالیه تمام نموده  
 بمسئدات خود بپولک مالیه روانه نماید کہ سنجیده  
 شود و بہر سالہ سند فیصلہ حساب مدیریت خود را  
 حاصل نماید - درحینکہ حساب مدیر مالیه بپولک

تاریخ  
 ۱۳۰۲  
 ۱۳۰۳  
 ۱۳۰۴  
 ۱۳۰۵  
 ۱۳۰۶  
 ۱۳۰۷  
 ۱۳۰۸  
 ۱۳۰۹  
 ۱۳۱۰  
 ۱۳۱۱  
 ۱۳۱۲  
 ۱۳۱۳  
 ۱۳۱۴  
 ۱۳۱۵  
 ۱۳۱۶  
 ۱۳۱۷  
 ۱۳۱۸  
 ۱۳۱۹  
 ۱۳۲۰  
 ۱۳۲۱  
 ۱۳۲۲  
 ۱۳۲۳  
 ۱۳۲۴  
 ۱۳۲۵  
 ۱۳۲۶  
 ۱۳۲۷  
 ۱۳۲۸  
 ۱۳۲۹  
 ۱۳۳۰  
 ۱۳۳۱  
 ۱۳۳۲  
 ۱۳۳۳  
 ۱۳۳۴  
 ۱۳۳۵  
 ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷  
 ۱۳۳۸  
 ۱۳۳۹  
 ۱۳۴۰  
 ۱۳۴۱  
 ۱۳۴۲  
 ۱۳۴۳  
 ۱۳۴۴  
 ۱۳۴۵  
 ۱۳۴۶  
 ۱۳۴۷  
 ۱۳۴۸  
 ۱۳۴۹  
 ۱۳۵۰

و کم و زیاد کردن و قسط نمودن چه مالیه را حکام ندادند  
 هر گاه حکام در تحصیل تغافل کردند و تسک حساب  
 از مدیر مالیه نداشتند - و سال باخیر رسید و چه  
 مالیه بکلی باقیمانده جواب درک باقی ندمت حکام است .

فقره چهارم نظار نظارات و مأمورین کار بکارهای  
 مالیه که باسم مدیران مالیه حکم مینمایند حکم شان خلاف  
 قواعد نظامنامه مالیه نباشد هر گاه بخلاف  
 فقرات نظامنامه بود مدیر مالیه اجرا نموده  
 ببولک مالیه خبر بدهد .

فقره پنجم و یکم - برای کارهای اداره هائیکه  
 تشکیل شده بقرار امر امر مفتش برای تفتیش مقرر  
 میشود مدیران مالیه در اجرای کار وقت کرده دفاتر  
 خود را در آنما منظم داشته باشند که مفتش در وقت  
 تفتیش سرگردان نشود .

مالیه برسد بولک دار مالیه الی یک ماه  
فیصله حساب آنرا نماید.

فقره سی و هفتم - اشخاصیکه وجه مالیه را  
بمورد قسط نرسانند مدیر مالیه بموجب حکم  
نظامنامه جریمه آنرا سنجیده بجهة باقی مالیه آن  
ضم نموده سیاه جزو ارساخته تحویل  
حاکم محال نماید و نقل آنرا بکتاب مینا رسید  
بگیر و صورت خلص حواله را کجته تحصیل تحویل حاکم  
میناید ببولک مالیه اطلاع بدهد.

فقره سی و هشتم - مدیر مالیه که سیاه  
باقی مالیه را تحویل حاکم کرد حاکم را مینباید که برایش  
رسید داده شروع تحصیل نماید و پانزده در پانزده  
رپوت تحصیل را به مدیر مالیه بدهد.

فقره سی و نهم - وجه باقی که تحویل حاکم شد  
و شروع تحصیل کردی باید که سعی شود که بسال  
دیگر باقی نماند اگر اسامی گفتگو حسابی داشت  
با دارة مالیه روانه دارد بدون خط مدیر اختیار معطلی

۲۰۰  
نظامنامه مالیه  
۱۰۰  
تاریخ تنظیم

# الحکمان

نظامنامه مالیه که مظهر است بجهل و یک فقره از ملاحظه  
 حضور شاهانه ام گذارش یافته برای سعادت  
 ملت و ترقیات و طر افغانستان منظور گردید  
 احدی را اجازه نیست که خلاف رفتاری نماید  
 رعیت و ملکان و مدیران و حکام و نظائر آنها را  
 بخلاف آن رفتار نموده بودند و بحضور رسید  
 و ثابت شد بازخواست شدید می شود و نظام  
 نه متعلق است بمالیه اداره مالیه (در زیر درج)  
 و برای در بر سر رسید داد شد فی حکم حل

۱۲۹۹



